

مهد کودک بزرگترها جایی برای بازیابی کودک درون فراموش شده

مجالى برای رهایی از دنیای آدم بزرگ‌ها

گروه گزارش/ مرجان قنبدی - «امروز رقتم مهد کودک بزرگ‌ترها جایی که

هیچ‌کس فکر نمی‌کند وجود داشته باشد، خانهای حیاط دار که آدم بزرگ‌ها می‌آیند تا برای چند ساعت به کودک درونشان توجه کنند و از سنگینی دنیای بزرگسالی جدا شوند. دور حوض نشستم و برایمان داستان خواندند و از دغدغه‌هایی نوشتیم که می‌خواستیم در آن چند ساعت پشت در بمانند. نقاشی کشیدیم، بازی کردیم و مثل قدیم‌ها چای و لقمه نان و پنیر خوردیم. عروسک ساختیم و با چشم‌هایش به خودمان نگاه کردیم، به کسی که امروز هستیم.

مهدکودک بزرگترها به عنوان پناهگاهی

نوظهور، فرصتی فراهم کرده تا افراد بالغ برای ساعاتی از نقش‌های اجتماعی فاصله بگیرند و دوباره کودک درون خود را کشف و به آن توجه کنند. به اعتقاد ثمن دهنقانی، مؤسس و برگزارکننده اولین مهد کودک بزرگترها که روان‌درمانگر و تسهیلگر رویدادهای تجربه محور است، این فضاهای خلاقانه با بازی، نقاشی، قصه‌گویی و تعاملات آزاد، فقط آرامش‌روانی را برای فرد به همراه ندارند، بلکه به بازسازی و ترمیم کودکی و افزایش خلاقیت در زندگی حرفه‌ای افراد کمک می‌کنند.

فضای ابری برای بزرگترها

در حال حاضر، دهنقانی رویداد تجربه محور مهد کودک بزرگترها را به شکل ایونت‌هایی سه ساعته در شهرهای مختلف برگزار می‌کند. این رویداد در فضاهای مختلف و در تاریخ‌های متفاوت برگزار می‌شود. دهنقانی، کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی و روان‌درمانگر فردی با رویکرد هیجان‌مدار، فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۹۸ آغاز کرده است. او تجربه فعالیت‌هایی در زمینه سایکودراما (شیوای مؤثر و روشی جدید در توانبخشی و درمان افراد دچار عارضه‌های روحی و روانی)، تئاتر شورایی و تسهیلگر در باشگاه‌های کودک و نوجوان هم دارد. به گفته دهنقانی هدف این بود که بچه‌ها در فضایی خلاقانه و آزاد، تجربه‌های تازه کسب کنند. اما جرقه راه‌اندازی «مهد کودک بزرگترها» زمانی به ذهنش رده شد که یکی از دوستانش با دیدن کلاس‌های خلاقانه برای کودکان و نوجوانان به او گفت: «کاش برای بزرگ‌ترها هم چنین فضاهایی وجود داشت» دهنقانی می‌گوید: «همین جمله باعث شد به این فکر بینفتم چرا که نه؟ چرا نباید بزرگ‌ترها

هم فرصت تجربه‌های کودکانه داشته باشند؟ کم‌کم به این فکر افتادم که فضایی را فراهم کنم تا بزرگ‌ترها هم بتوانند بدون قضاوت، بدون فشار روانی، با بازی و تعامل این فضا را تجربه کنند. همین شد که در شهریور ۱۴۰۲، اولین رویداد مهد کودک بزرگترها را با عنوان «فضای ابری برای بزرگترها» راه‌اندازی کردم.»

او درباره روند برگزاری این رویداد توضیح می‌دهد: «بیش از دو سال و ۲ ماه است که این رویداد را برگزار می‌کنم. در این مدت، ۱۵ رویداد برگزار کرده‌ام که هر بار بیشتر از رویداد قبل مورد استقبال قرار می‌گیرد.»

این روان‌شناس درباره رویکرد سایکودراما و اجرای آن در مهدکودک بزرگترها می‌گوید: «در ابتدا هیچ کلاس رسمی برای یادگیری سایکودراما وجود نداشت. من با مطالعه کتاب‌ها و منابع معتبر شروع کردم و بعد از مدتی با شرکت در دوره‌های آموزشی و همکار با اساتید مختلف، مهارت‌های لازم را به دست آوردم. «موزنو» بنیانگذار این رویکرد معتقد است که انسان‌ها در گروه بیمار می‌شوند پس در گروه هم باید درمان شوند. سایکودراما بر خلاقیت تأکید دارد، چون خلاقیت به فرد امکان می‌دهد خودش را در قالب گروه بروز دهد و بتواند رویدادهای درنک‌انگ زندگی‌اش را بازآفرینی و ترمیم کند.» او باور دارد که در وجود همه ما بخشی از کودکی‌مان باقی مانده که نیازمند ترمیم و بازسازی است و بهترین راه برای این کار، فضای گروهی است که با همراهی و همپایی دیگران، تجربه‌ای تسکین‌دهنده و شفابخش را رقم می‌زند. دهنقانی بر اهمیت بازی و فعالیت در این فرآیند تأکید می‌کند و می‌گوید: «فضای تجربه‌محور و فعالیت‌های عملی فرصت می‌دهد تا افراد تجربیاتی را که شاید هرگز در زندگی واقعی نداشته‌اند، تجربه کنند. طراحی فعالیت‌های مهد کودک بزرگ‌ترها

بحران پنهان خانواده‌ها با دور زدن قانون برای گرفتن مستمری

طلاق صوری، زندگی الکی

گزارش

نیلوفرمنصوری
گروه گزارش

طلاق صوری! پدیده‌ای اجتماعی، با انگیزه‌های متفاوت و البته دروغین؛ پدیده‌ای که دلیل وقوعش دور زدن قانون، یا سوءاستفاده از قوانینی است که با هدف حمایت‌های مالی و اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی از زنان سرپرست خانوار وضع شده است. اما حالا عده‌ای با سوءاستفاده از این قوانین، نه تنها زندگی خود را به ورطه نابودی گشته‌اند، بلکه اوضاع اقتصادی سازمان‌های خدمات‌رسان مثل تأمین اجتماعی، بهزیستی و کمیته امداد را هم به هم ریخته‌اند. زانی که نه به دلیل اختلاف یا فروپاشی عاطفی، بلکه برای استفاده از قوانین حمایتی و مزایای اقتصادی، به سمت جدایی‌های ظاهری می‌روند که بعد از آن نه راه پس دارند و نه راه پیش. قربانیانی که به اصطلاح در چاهی که روزی با دست خودشان کنده‌اند، افتاده‌اند. روانشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که طلاق‌های صوری باعث می‌شود دیگر هیچ وقت رفتار زوج‌های قدیمی مثل سابق نشود. ۵۲ ساله است، زنی که در حاشیه شهر تهران، به همراه همسر پیر و پیکارش زندگی می‌کند. یکی از صدها زنی که ناچار به طلاق صوری شده است. سمانه می‌گوید: «با همسرم تصمیم گرفتیم که طلاق بگیریم تا از مستمری پدرم استفاده کنیم. چون شوهرم کارگر است، اما کار نیست. چند سال است که درآمدی ندارد. تنها راه زنده ماندن‌مان گرفتن مستمری پدر خدایم‌ارزم بود.» او حالا همراه حدود ۱۸ میلیون تومان دریافت می‌کند. هرچند می‌گوید: «می‌دانم که این روش درستی نیست. اما چاره‌ای جز این نداشتیم.»

مریم هم یکی از همین زنان است که حقوق مستمری پدر را دریافت می‌کند. با

کرده و سال به سال هم بیشتری می‌شود. مریم چراغی، معاون بازنماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی کنارش این موضوع به «ایران» می‌گوید: «این پدیده اجتماعی چند وجهی است و ابعاد مختلف دارد که اصلی‌ترین دلیل آن، فراهم شدن زمینه استفاده از مزایای اقتصادی و مزایایی مثل معافیت از خدمت نظام وظیفه فرزند شادکام و مزایای مستمری فرزندان آنان را است. این پدیده علاوه بر اینکه اثرات سوئی بر خانواده دارد، هزینه‌های زیادی را بر جامعه، سازمان تأمین اجتماعی و بیمه شدگان تحمیل می‌کند.»

عاطفه هم داستان تقریباً مشابهی دارد. او می‌گوید: «به دلیل بیماری پدرم و ناامیدی از درمانش و اینکه به زودی فوت می‌کند، با همسرم تصمیم نادرستی گرفتیم. قرار شد برای استفاده از حقوق بازنشستگی پدرم به صورت ظاهری طلاق بگیریم و با عقد موقت به زندگی‌مان ادامه دهیم. به اصطلاح می‌خواستیم با دور زدن قانون از این نم‌د کلاهی برای خودم تهیه کنم، اما در حقیقت از چاله به چاه افتادم. اما مدتی بعد از طلاق، پدرم به رحمت خدا رفت و ما دو سال در قالب عقد موقت با هم زندگی کردیم. با حقوق مستمری پدر و حقوق مستمری همسرم مخارج زندگی را تأمین می‌کردیم. اما به طور ناگهانی همسرم را در یک تصادف از دست دادم.» عاطفه می‌گوید: «بعد از فوت همسرم، خیلی شوکه بودم، و برخی دیگر از حقوق بازنشستگی ازدواج دائم با او داشتم و همه را بخشیدم بوم، استفاده کنم. با اینکه در سخت‌ترین روزهای زندگی و نداری کنارش ماندم، اما با فوت ناگهانی او از حق و حقوقم در این زندگی مشترک محروم شدم.»

دست متقلبان رو می‌شود

دور زدن قانون تأمین اجتماعی برای استفاده زوجه از امتیاز مستمری تأمین اجتماعی والدین چند سالی است که رواج پیدا



۶۶

واقعیت این

است که ما

اینجا برای

بزرگسالانی

برنامه‌ریزی

می‌کنیم

که در حال

زندگی، کار

و ارتباط

هستند، اما

در کنار همه

این‌ها، یک

کودک درون

دارند که

باید دیده و

پذیرفته شود.

برخلاف

مهدکودک‌های

معمول، اینجا

جای کودکان

نیست. اینجا

جایی است

برای آدم‌های

بالغ که

می‌خواهند

کودک درون

خودشان را

بدون قید و

شرط بپذیرند

و ایده‌آلی نداریم. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که همه نیازهایش در طول زندگی برآورده و شده است. نیازهایی ازجمله عشق، توجه، احترام، درک متقابل و همچنین نیازهای هیجانی مثل دیده شدن، ترس، خشم، غم و شرم.

همه ما در جایی از زندگی‌مان از این احساسات جا مانده‌ایم و هیچ فرد بالغی نمی‌تواند ادعا کند که والدین ایده‌آلی داشته و همه نیازهایش به‌طور کامل برآورده شده است. ما در مسیر زندگی با این نیازها مواجه می‌شویم و طبیعی است که بخواهیم دیده شویم و احساسات‌مان را بدون سانسور و ترس از قضاوت شدن ابراز کنیم.»

دهقانی می‌گوید: «براز احساسات، حتی اگر گاهی اغراق‌آمیز یا ناپسند به نظر برسد، باید پذیرفته شود. ما در مهدکودک بزرگترهافضایی ساختم که آدم بزرگ‌ها

آدم بزرگ‌ها



در تأمین اجتماعی نوک کوه یخی است که واقعیت اصلی آن در زیر آب نهفته است و باید مراجع ذی‌صلاح دانشگاهی و تحقیقاتی در این خصوص مطالعه و بررسی کنند تا از فروپاشی نهاد خانواده جلوگیری کنند.

طلاق به چه قیمتی؟

تغییر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، مهم‌ترین محنی است که کارشناسان در بروز طلاق‌های صوری مؤثر می‌دانند. دکتر ریحانه صبورنژاد، مشاور ازدواج و خانواده در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «چند عامل در شکل‌گیری پدیده طلاق‌های صوری نقش دارد. نخست، دور زدن قوانین یا مقررات است تا از حمایت‌های مالی و اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی به خانواده‌های دارای سرپرست فوت شده تعلق می‌گیرد، استفاده کنند. بعضی افراد برای دریافت مستمری، بارانه، حق سرپرستی فرزند به طلاق صوری متوسل می‌شوند تا شرایط قانونی لازم را به صورت ظاهری ایجاد کنند. اگر پدر یا مادر فردی فوت کرده باشد، دختر او در صورت مطلقه بودن می‌تواند از مستمری والدینش بهره‌مند شود. از همین رو برخی زنان به‌صورت صوری اقدام به طلاق می‌کنند تا بتوانند قانون را دور بزنند و از این

دهقانی درباره فعالیت‌هایی که در مهد کودک بزرگ‌ترها انجام می‌شود، توضیح می‌دهد: «ابتدا افراد را با خواندن داستان‌های کودکان از دنیای بزرگسالی جدا می‌کنیم. داستان‌های کودکانه را می‌خوانیم چون در خیلی از این کتاب‌ها برای بزرگسالان هم پیامی وجود دارد. من به آنها پیشنهاد می‌کنم اگر کتاب‌های مشابهی در کتابفروشی‌ها دیدند، ترغیب شوند و آنها را مطالعه کنند چون آنها صرف‌بِرای کودکان نوشته نشده است. در ادامه، فعالیت‌هایی حول محور نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و وابستگی‌ها انجام می‌دهیم، احساساتی که اغلب افراد در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شوند. از شرکت‌کننده‌ها می‌خواهیم نگرانی‌ها و دغدغه‌های‌شان را روی کاغذ بنویسند و بعد آن را جایی در محیط فعالیت خود قرار دهند. هدف این است که بتوانند این احساسات و نگرانی‌ها را بیرون بزنند و با آنها روبه‌رو شوند.»

مثبت ۱۸

او درباره مخاطبان مهد کودک بزرگ‌ترها می‌گوید: «تنها شرط اصلی حضور این است که افراد شرکت‌کننده بالای ۱۸ سال باشند، از این رو ما در مهد بزرگترها از افراد ۱۸ ساله که خود را کوچک‌ترین اعضای جمع می‌دانند تا افراد بزرگ‌تر ۷۰ تا ۸۰ ساله که بزرگ‌ترین اعضای گروه هستند، شرکت‌کننده داریم. حضور این افراد در کنار هم جذاب و دیدنی است. ابتدا با ورود افراد با سن بالاتر به جمع، جوان‌ترها کمی معذب می‌شوند، اما با بازی و فعالیت‌های گروهی که انجام می‌دهیم، کم‌کم همه با کودک درونشان کارها را انجام می‌دهند و تفاوت سنی بین‌شان ناپدید می‌شود و همه در یک سطح قرار می‌گیرند.»

این روانشناس درباره بازخورد‌های شرکت‌کنندگان از تجربه سه ساعته‌شان در مهد کودک بزرگترها می‌گوید: «بیشترین و پرتکرارترین بازخوردی که دریافت کردیم این بود که افراد در طول این مدت هیچ چیزی جز انجام کارهایی که کودک درون‌شان دوست داشته انجام دهند به ذهن‌شان خطور نکرده و احساس کردند که از دنیای بیرون جدا شده‌اند. این تجربه تأثیر عمیقی روی آنها گذاشته است. خیلی‌ها گفتند که در این ساعات احساس آرامش داشتند و پرتکرارترین بازخوردی که دریافت کردیم این ذهن‌شان پاک شد. انگار توانستند برای چند ساعت از فشارهای زندگی فاصله بگیرند و در لحظه زندگی کنند.»

دهقانی این بازخوردها را نشانه‌ای از موفقیت مسیری که رفته می‌داند و می‌گوید: «وقتی افراد می‌توانند بدون فکر کردن به گذشته یا آینده، فقط در لحظه باشند، یعنی فضا توانسته امنیت و آرامش‌شان را برایشان فراهم کند. خیلی از افراد چندین بار در این رویدادها شرکت کردند و این نشان می‌دهد که تجربه‌ای از اینجا رقم می‌خورد، برای آدم‌ها معنا و ارزش دارد.»

مزایا استفاده کنند.» این روان‌شناس درباره عوامل دیگر نیز می‌گوید: «وقتی زنی طلاق بگیرد، سرپرست خانوار محسوب می‌شود و می‌تواند از برخی امتیازات رفاهی، از جمله دریافت خانه، وام یا سایر تسهیلات استفاده کند. با برخی افراد برای فرار از پرداخت بدهی می‌زنند و بعد از طلاق صوری پس می‌گیرند تا طلبکاران نتوانند این اموال را توقیف کنند. در کنار این موارد، برخی از طلاق‌های صوری نیز به دلیل گرفتن اقامت در کشور دیگر انجام می‌شود تا یکی از طرفین برای گرفتن اقامت در کشور دیگر با ازدواج صوری با تبعه آن کشور اقدام کند. بنابراین، اگر بخواهیم ریشه

این پدیده را تحلیل کنیم، باید بپذیریم که تعیین‌کننده اصلی چنین رفتارهایی، شرایط اقتصادی و ساختارهای ناکارآمد معیشتی به وسیله تحلف با دور زدن قانون در جامعه امروز ما صورت می‌گیرد.»

تبعات طلاق صوری

بیش از طلاق رسمی است

طلاق صوری شاید در ظاهر فقط «یک کار غیر قانونی» به نظر بیاید، اما در واقع تأثیرات روانی، اجتماعی و خانوادگی بسیاری دربر دارد. صبورنژاد با بیان این مطلب می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین اثرات این پدیده، تأثیرات نامطلوب روانی و عاطفی به‌خصوص روی فرزندان و روابط خانوادگی است. طلاق، حتی اگر صوری هم باشد و پدر و مادر همچنان با هم زندگی کنند، کودک معمولاً متوجه تغییرات رفتاری، گفتاری و قانونی بین والدین می‌شود. احساس ناامنی و سردرگمی می‌کند. اعتمادش به والدین کاهش می‌یابد و ممکن است پدر و مادرش را دروغگو یا پنهانکار تلقی کند و اضطراب و ترس از جدایی واقعی در آینده او تأثیرگذار باشد.» به گفته این روانشناس، طلاق صوری هرچند ممکن است در ابتدا راه حلی موقت و زیرکانه به نظر بیاید، اما قطعاً بر روابط زن و شوهر تأثیر نامطلوب می‌گذارد. این کار از نظر قانونی و اخلاقی خطرناک و ممکن است مشکلات حقوقی و خانوادگی در پی داشته باشد.

صبورنژاد می‌گوید: «این رفتار بیشتر در میان افرادی دیده می‌شود که به جای حل ریشه‌ای مشکلات، به دنبال راه‌حل‌های ظاهری و فوری هستند. این افراد عمل‌گرا و مصلحت‌جو هستند و بیشتر به منافع مادی و کوتاه‌مدت فکری می‌کنند تا اصول اخلاقی یا قانونی.»